

راه کارهای آموزه‌های اسلامی در جهت رشد و توسعه اقتصاد سالم

نویسنده: بتول قوی دست^۱

استاد ناظر: حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی سازندگی^۲

پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۵

دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲۹

چکیده

در این مقاله به دنبال نشان دادن روش‌هایی بودیم که اسلام به عنوان کامل‌ترین دین در اختیار بشر نهاده است تا از این طریق بتواند مطابق با فطرت و نیازمندی‌های خویش، راه و روش چگونگی به دست آوردن یک اقتصاد سالم را یاد گرفته، و در راستای تکامل خویش آن را به کار گیرد. این پژوهش با روش توصیفی و مبتنی بر منابع و اسناد مرتبط با موضوع صورت گرفته است. پرسش اصلی مطرح شده در این نوشتار این است که: «اسلام چه راهکارهایی جهت ایجاد رشد و توسعه اقتصاد سالم به مردم شناسانیده است؟»

قلمرو و گستره این پژوهش حول اقتصاد اسلامی مطابق با آیات و روایات می‌باشد. در مقاله حاضر فرض بر این است که اسلام - به عنوان کامل‌ترین دین - و از آنجایی که نشئت گرفته از وحی آسمانی است، مطابق با نیازمندی‌ها و فطرت بشری، اموری را به عنوان راهکار ایجاد اقتصاد سالم به مردم معرفی نموده است که این راهکارها حالتی ارزشی و معنوی و نه صرفاً مادی به اقتصاد جوامع اعطا می‌کند.

واژگان کلیدی: توسعه، اقتصاد، اقتصاد اسلامی، فرهنگ، آموزه‌های اسلام.

مقدمه

توسعه و رشد اقتصادی یکی از مقوله‌هایی است که در میان کشورها، رواج گسترده‌ای داشته است به گونه‌ای که کشورها، تمامی تلاش خویش را متوجه رسیدن به این هدف نموده‌اند. در حال حاضر، پدیده توسعه‌یافتگی در این کشورها هر چند پی‌آمدهای مثبت و ارزنده‌ای برای رفاه و آسایش انسان به ارمغان آورده است، ولی در این کشورها آمار فساد، فحشا و جرایم، رشد روزافزون دارد. این پدیده نشان‌گر این مطلب است که این کشورها در راستای رشد و توسعه اقتصادی خود، برخی امور هم‌چون توجه به جنبه‌های انسانی و مسائل اخلاقی و معنوی که مؤثرترین عامل ایجاد آرامش روح و روان بشر است، نادیده گرفته‌اند.

۱- دانشجوی کارشناسی فقه اسلامی، gavedastbatool@yahoo.com

۲- استاد دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ، sazmahdi@gmail.com

بر همین مبنا می‌توان گفت آموزه‌های اسلامی که در جنبه فردی و اجتماعی زندگی انسان را اهمیت می‌دهد، راهکارهایی جهت رسیدن انسان به این امر ارائه داده است که در حقیقت این راهکارها بیان‌گر برنامه صحیح زندگی فردی و اجتماعی بوده و باعث تأمین سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت است. طبیعی است اگر این راهکارها به طور صحیح شناخته شده و مورد استفاده قرار گیرد، در تکامل و سعادت انسان نقش به‌سزایی ایفا می‌کند، چرا که مکتب الهی و انسان‌ساز اسلام نه تنها مانع رشد و توسعه یک اقتصاد سالم نیست، بلکه موجب توسعه و زمینه‌ساز آن می‌باشد. در این تحقیق سعی می‌شود این راهکارها به طور کلی نشان داده شود.

۱) مبانی نظری

الف - تبیین مسئله

توسعه و رشد اقتصاد سالم به معنای جامع آن، فرایندی پیچیده است که در بر دارنده اموری هم‌چون: رشد کمی و کیفی تولیدات، خدمات همراه با بهبود زندگی، افزایش در آمد، زدودن فقر، محرومیت، اشتغال‌زایی، تأمین رفاه زندگی مردم و بالا رفتن رشد علمی و فناوری و پیشرفت در یک جامعه است. به عبارتی می‌توان گفت امر توسعه و رشد یک اقتصاد سالم، امری مطلوب و مد نظر همه جوامع است که جهت رسیدن به آن، برنامه‌ریزی می‌کنند.

البته توسعه و رشد اقتصادی‌یی که اسلام به آن تأکید می‌ورزد از جهاتی شبیه توسعه و رشد اقتصاد غربی است، اما از لحاظ انگیزه و هدف غایی، با هم‌دیگر منطبق نیستند.

در این مقاله سعی می‌شود راهکارهایی اسلامی در جهت توسعه و رشد اقتصاد سالم بر مبانی و آموزه‌های اسلامی ارائه و مورد بررسی قرار گیرد.

ب - ضرورت و اهمیت مسئله

به علت اهمیت بحث در توسعه و رشد اقتصاد سالم و تأثیر این امر در بهبود فرآیند رشد جامعه، لازم است به صورتی اساسی در این مقوله بحث شود. چرا که به عنوان یک مسلمان، و از آنجایی که دین اسلام کامل‌ترین و آخرین دین توحیدی است، مبانی و آموزه‌های اسلامی که برگرفته از وحی الهی و خالق هستی است، به خصوص در مورد راهکارها و رهنمودهای اسلامی در رابطه با اقتصاد سالم را به نوعی به مردم شناسانده و از این طریق حقانیت و گویا بودن دین مبین اسلام معرفی می‌گردد.

ج- اهداف تحقیق

این مقاله در پی آن است که آموزه‌ها و راهکارهای توصیه شده اسلامی جهت رشد و توسعه و به دست آوردن اقتصادی سالم در جوامع شناسانده و معرفی شود، و از این طریق بتوان اهداف غایی و متعالی اسلام از طرح چنین راهکارهایی در این زمینه و عدم انطباق این اهداف با انگیزه‌های غیر توحیدی دیگر جوامع غربی را روشن کرد.

د- پیشینه و سابقه تحقیق

با توجه به تتبع صورت گرفته در این زمینه، کتاب‌ها و نوشته‌هایی یافت شد، که در زمینه‌های رشد و توسعه اقتصادی چه در غرب یا در جوامع اسلامی نگاشته شده بودند، اما نوشته مستقلی که در این زمینه راهکارهایی اسلامی در خصوص چگونگی ایجاد اقتصاد سالم را مورد بررسی قرار داده باشد، یافت نشد.

کتاب‌هایی که در این زمینه مشاهده شد عبارت‌اند از:

- ❖ فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی، محمدجمال خلیلیان اشکذری، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، (۱۳۸۱). این کتاب در رابطه با فرهنگ اسلامی و نیز نقاط افتراق فرهنگ اسلامی با فرهنگ غربی بحث کرده است.
- ❖ ملاحظاتی پیرامون پیام‌های اقتصادی قرآن، سید جمال‌الدین موسوی اصفهانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، (۱۳۶۸). در این کتاب، آیات اقتصادی قرآن همراه با ملاحظاتی از جانب نویسنده بیان شده است.
- ❖ نظری به نظام اقتصادی اسلام، استاد مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، (۱۳۷۹). این کتاب در بر دارنده بخش‌هایی مختلف است که هر کدام از این بخش‌ها به مباحثی خاص پرداخته است؛ از جمله: چیستی اقتصادی؟ مالکیت، ارزش، سرمایه‌داری و مارکیسم از دیدگاه اسلام، رساله‌های اقتصادی و مباحثی از این دست.
- ❖ اقتصادنا، شهید سید محمدباقر صدر، دارالکتاب اللبنانی، (۱۳۹۷). در این کتاب به طرح مباحثی پیرامون اقتصاد و نیز مکاتب غربی و رد و نقد آن مکاتب پرداخته شده است.
- ❖ اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، سیدحسین میرمعزی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (۱۳۸۴). این کتاب، نظام اقتصادی اسلام را به روش اقتصاد کلان مورد مطالعه قرار داده و در تبیین نظام اسلامی و بیان ویژگی‌ها و امتیازات آن سعی کرده به نحوی آن را به مخاطب بشناساند.
- ❖ اسلام و چالش اقتصادی، محمد عمر چپرا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (۱۳۸۵). موضوع کتاب در رابطه با اقتصاد از دیدگاه اسلام است. این کتاب ترجمه شده نیز به نحوی سعی در شناسایی اقتصاد اسلامی و نیز نظام اقتصادی غرب نموده است.
- ❖ درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی، جمعی از نویسندگان، انتشارات سمت، (۱۳۷۴). کتاب در زمینه اقتصاد اسلامی بحث نموده است.
- ❖ درس‌هایی در اقتصاد اسلامی، جمعی از نویسندگان، دانشگاه مفید، (۱۳۸۴). این کتاب ترجمه شده، به بحث‌هایی متنوع در مورد اقتصاد اسلامی پرداخته است.

❖ اسلام و توسعه، علی اخترشهر، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (۱۳۸۵). در کتاب، نظریات مختلف در زمینه توسعه در اسلام و غرب مطرح شده است.

کتاب‌های دیگری نیز در این زمینه مورد مطالعه قرار گرفت که با ورود به بحث، در پاورقی‌ها و نیز فهرست منابع ذکر می‌شود.

م- پرسش‌های تحقیق

- پرسش اصلی

«راهبردهای توصیه شده اسلام در جهت رشد و توسعه اقتصاد سالم در جامعه اسلامی کدامند؟»

- پرسش‌های فرعی

(۱) از منظر اسلام، اقتصاد چه مفهومی دارد؟

(۲) آیا به کارگیری مفاهیم ارزشی و اخلاقی در ایجاد یک اقتصاد سالم مؤثر است؟

(۳) هدف غایی اسلام از طرح مباحث اقتصادی و ارائه راهکارهای اقتصادی چیست؟

ن- فرضیه‌های تحقیق

(۱) هدف غایی آموزه‌های اسلامی در طرح مباحثی در زمینه اقتصاد با اهدافی که غربیان در مورد اقتصاد در نظر دارند متفاوت، و این دو امر کاملاً ناسازگار می‌باشند.

(۲) راهکارهای اسلامی در جهت رشد و توسعه یک اقتصاد سالم به عنوان تنها راهکارهای مؤثر و سازنده‌ای است که با تبعیت از آن‌ها می‌توان اقتصادی سالم و متعالی در جامعه ایجاد نمود.

ی- تعاریف عملیاتی

- توسعه

در ارتباط با این واژه معانی مختلفی از سوی صاحب نظران ارائه گردیده است؛ از جمله این تعاریف، تعریفی از «فریدمن»^۱ است که می‌نویسد: «توسعه، یک روند خلاق و نوآوری برای ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی می‌باشد». (به نقل از قره‌باغیان، ۱۳۷۰، ص. ۷)

برخی نیز هم‌چون «گونار میردال»^۲ توسعه را عبارت از «حرکت یک سیستم یک‌دست اجتماعی دانسته که به سمت جلو در حرکت است؛ و این سیستم نه تنها روش تولید، توزیع و حجم آن را در بردارد بلکه تغییرات در سطح زندگی، نهادهای جامعه، نظرها و سیاست‌ها را نیز در این راستا مورد توجه قرار می‌دهد». (به نقل از جیروند، ۱۳۶۸، ص. ۸۳)

1. Friedman
2. Gunnar Myrdal

گروهی نیز در معناشناسی این واژه ابراز داشته‌اند که: «توسعه، جریانی است چند بعدی که باعث ارتقای مستمر یک جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است»؛ (تودارو، ۱۳۶۶، ص. ۲۳). در تعریفی دیگر، توسعه مسیری برای تحقق عدالت در استفاده از مواهب طبیعی، روابط اجتماعی و امکان رشد افراد در زمینه‌های مختلف حیات انسانی دانسته شده و بر این اساس توسعه را تعریفی ارزشی به حساب آورده‌اند که به جهان‌بینی فرد و تعریف او از عدالت و شیوه تحقق آن مرتبط می‌گردد؛ (حاج فتحعلی‌ها، ۱۳۷۲، ص. ۱۰). معنای دیگر ارائه شده در رابطه با این واژه این است که توسعه «بهینه‌سازی در استفاده از نیروهای بالقوه مادی و انسانی یک اجتماع است». (سریع‌القول، ۱۳۶۹، ص. ۸۸)

با توجه به تعاریف ارائه شده در زمینه معنای واژه توسعه، می‌توان در یک جمع‌بندی کوتاه گفت: توسعه فرآیندی است که باعث می‌گردد افراد جامعه مسیر تکاملی شایسته خود را با استفاده بهینه از منابع مختلف و فراهم نمودن بستری مناسب برای رشد تولیدات ملی و خواسته‌های اصیل انسانی دیگر ببینند.

- توسعه اقتصادی

در رابطه با تعریف این اصطلاح نظرات گوناگونی ارائه شده است، از جمله: «توسعه اقتصادی فرآیندی است که طی آن درآمد سرانه افزایش می‌یابد و به طور مناسب توزیع می‌شود و در جریان آن، مسائلی چون فقر و بیکاری کاهش، و وضع معیشت افراد بهبود می‌یابد». (حاج فتحعلی‌ها، ۱۳۷۲، ص. ۲۰)

در تعریف دیگر از توسعه اقتصادی بیان شده است که «توسعه اقتصادی عبارت است از رشد مداوم اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد جامعه که ناشی از دگرگونی و تحول در بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه است که از طریق آن دستیابی به غایات مطلوب نوسازی اقتصادی فراهم می‌آید». (جیرونند، ۱۳۶۸، ص. ۸۵)

پروفسور «جرالد میر»^۱ نیز در ارتباط با معنای توسعه اقتصادی معتقد است: «توسعه اقتصادی عبارت است از فرآیندی که به موجب آن، درآمد واقعی سرانه در یک کشور در یک دوره طولانی افزایش می‌یابد، مشروط به آنکه تعداد افراد زیر خط فقر مطلق افزایش نیابد و توزیع درآمد بسیار نابرابر نشود». (جرالد میر، ۱۳۷۸، ص. ۸)

با توجه به تعاریف وارد شده و دیگر تعاریف مورد مطالعه قرار گرفته، می‌توان تعریف تقریباً جامع از توسعه اقتصادی را با استناد به تعریف «بلاک»^۲، این‌گونه بیان کرد: «توسعه اقتصادی وضعیتی است که در آن به گونه‌ای انسان تربیت می‌شود که با استفاده بهینه از منابع و تسلط بر فناوری مدرن، قدرت بر برنامه‌ریزی فراگیر و ساختن زمینه مناسب جهت نیل افراد جامعه به کمالات انسانی را داشته باشد». (به نقل از جیرونند، ۱۳۶۸، ص. ۸۴)

1. Gerald Meyer
2. Block

– معاشناسی واژه اقتصاد

در معنای اقتصاد تعاریف گوناگونی ارائه گردیده است که قبل از ورود به معنای اصطلاحی این واژه، از نظر لغوی آن را مورد بررسی قرار داده و سپس تعاریف اصطلاحی آن را بیان می‌کنیم.

یکی از معانی اقتصاد در لغت، میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر کاری است. در آیه (وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ) [لقمان/ ۱۹]؛ و در راه رفتنت میانه‌رو باش، به همین معنی آمده است. از آن نظر که اعتدال در هزینه‌زدگی یکی از مصادیق میانه‌روی بوده، کلمه اقتصاد درباره آن بسیار استعمال می‌شده تا آنجا که در به کارگیری عرفی از اقتصاد، غالباً همین معنی مقصود بوده است.

در ترجمه کتاب‌ها، اقتصاد از معنای عرفی خود (میانه‌روی در معاش و تناسب دخل و خرج) تعمیم داده شده و معادل "Economy" قرار گرفته است. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص. ۳۰)

از نظر اصطلاحی نیز معنای مختلفی برای این واژه ارائه شده است؛ «ساموئلسن و نوردهاوس^۱» می‌گویند: «علم اقتصاد، عبارت از بررسی روش‌هایی است که بشر با وسیله یا بدون وسیله پول، برای به کار بردن منابع کمیاب، به منظور تولید کالاها و خدمات، در طی زمان و هم‌چنین برای توزیع کالاها و خدمات بین افراد و گروه‌ها در جامعه، به منظور مصرف در زمان حال یا آینده انتخاب می‌کند». (ساموئلسن و نوردهاوس، ۱۳۷۳، ص. ۶)

برخی نیز هم‌چون «ارسطو^۲» علم اقتصاد را مدیریت خانه (تدبیر منزل)، و برخی دیگر مانند «جان استوارت میل^۳»، اقتصاد را عبارت از «بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع» می‌دانند. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص. ۳۰)

شهید مطهری^۵ نیز در تعریف این واژه می‌نویسد: «انسان برای بقا و حیات خود احتیاج دارد به چیزهایی از قبیل غذا و لباس و مسکن که وسایل معاش نامیده می‌شوند. انسان به غیر این امور نیز احتیاج دارد، از قبیل احتیاجات خانوادگی؛ یعنی زن و فرزند، احتیاجات فرهنگی، احتیاجات معنوی و دینی، احتیاجات سیاسی؛ یعنی حکومت و آن چه مربوط به شئون حکومت است و احتیاجات اجتماعی از قبیل قضاوت. در میان احتیاجات انسان، اولی‌ترین احتیاجات وی، احتیاجات اقتصادی است؛ یعنی اموری که انسان در حیات و بقاء شخصی خود به آن‌ها نیازمند است و بدون آن‌ها قادر به ادامه حیات نیست». (مطهری، ۱۳۷۹، ص. ۲۹ و ۲۸)

با توجه به تعاریف ارائه شده زیر، می‌توان در یک نگاه کلی و به صورت فشرده، اقتصاد را این‌گونه تعریف نمود: شناخت، ارزیابی و انتخاب روش‌هایی است که بشر برای تولید و توزیع کالا و خدمات، از منابع محدود و یا غیر آماده به منظور مصرف و در جهت رشد و کمال خویش به کار می‌گیرد.

1. Samuelson and Nvrhdavs
2. Aristotle
3. John Stuart Mill

۲) واژه اقتصاد و آیات اقتصادی در قرآن

با توجه به معنای لغوی واژه اقتصاد که در مطالب پیشین ذکر شد، مراد از اقتصاد؛ قصد به معنی استقامت در راه و حفظ اعتدال در مقابل کثرتی و انحراف بود. همین معنی از واژه اقتصاد را می‌توان در آیات زیر ملاحظه نمود، از جمله:

- (وَعَلَى اللَّهِ قَضُ السَّبِيلِ) [نحل/۹]؛ ارائه راه راست و محفوظ از انحراف را خدا بر عهده گرفته است.
- (وَافْضِدْ فِي مَشِيكَ) [لقمان/۱۹]؛ در راه رفتن و یا در خطمشی زندگی ات میانه‌رو باش.
- (مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ) [مائده/۶۶]؛ از اینان برخی امت میانه‌رواند.
- (لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيْبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا) [توبه/۴۲]؛ اگر منفعتی نزدیک و سفر معمولی و یا متوسط بین دور و نزدیک بود. معنای دیگر از اقتصاد در خصوص مسائل مالی و سازمان‌دهی فعالیت‌های مربوط به تولید، توزیع و مصرف است، که این معنا از دو آیه شریفه استنباط می‌شود:

الف- اسراء/ ۲۹؛

(وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُوْلَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّخْسُورًا)؛ و دستت را بخیلانه بسته مدار [که از انفاق در راه خدا باز مانی] و به طور کامل هم [در انفاق] دست و دل باز مباش [که چیزی برای معاش خودت باقی نماند] که در نهایت [نزد شایستگان] نکوهیده [و در زندگی خود] درمانده گردی.

ب- فرقان/ ۶۷؛

(وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا)؛ چون انفاق می‌کنند، نه از حد متعارف می‌گذرند و نه سخت‌گیری می‌کنند، و [انفاقشان] همواره میان این دو در حد اعتدال است.

با توجه به آیات شریفه می‌توان گفت: اقتصادی که قرآن بیان می‌دارد، اقتصادی ارشادی و مذهبی است. به این معنی که قرآن راه و روش اسلام را در تنظیم حیات مادی و روابط اقتصادی انسان بر مبنای اصول عقیدتی‌اش معین می‌کند. بر همین اساس، «طرح اقتصاد اسلامی» برای افراد و جوامع دو ارمغان مهم به بار می‌آورد: اول آن‌که بشریت را از بزرگ‌ترین رنج تاریخی او - که اندوه بار معیشت و غصه تأمین معاش و مایحتاج زندگی است - می‌رهاند، و دوم این‌که او را از عوارض شوم فقر، که پی‌آمدهای آن سوء اخلاق و فساد و فحشا و حتی کفر و بی‌دینی است، مصونیت می‌بخشد و وی را به علو مقام انسانی که در خور منزلت و کرامت الهی اوست، نائل می‌سازد. (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۸، ص. ۲۰)

۳) اهداف آموزه‌های اسلامی در ایجاد اقتصاد اسلامی

از آن‌جایی که انسان هدف‌مند است، لذا در صورت گام برداشتن به سوی هدف، سعی می‌کند این امر به صورت آگاهانه صورت پذیرد تا به کمال برسد.

به تعبیر استاد مصباح یزدی: «تکامل و حرکت استکمالی یک موجود عبارت است از تغییراتی تدریجی که برای آن حاصل می‌شود و بر اثر آن‌ها استعدادی که برای رسیدن به یک صفت وجودی (کمال) دارد به فعلیت می‌رسد. این تغییرات به وسیله نیروهایی که در سرشت موجود کمال‌پذیر به ودیعت نهاده شده و با استفاده از شرایط و امکانات خارجی انجام می‌پذیرد».^(مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص. ۱۲) چرا که «انسان واجد نیروهایی طبیعی و نباتی و حیوانی است، به اضافه نیروهایی که از انسانیت سرچشمه می‌گیرند».^(همان، ص. ۱۳)

در همین راستا می‌توان گفت «اهداف، دو گونه‌اند: اهداف نهایی و واسطه‌ای. اسلام شایسته‌ترین کمال انسانی را نزدیک شدن به پروردگار متعال می‌داند (وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ)؛ مراد همان حقیقتی است که کمال نهایی انسان محسوب می‌شود و آن را «قرب خدا» می‌نامیم.

قرب الهی، مرتبه‌ای است از وجود که در آن استعدادهای ذاتی شخص با سیر و حرکت اختیاری خودش به فعلیت می‌رسد».^(مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص. ۶۸)

بر این اساس یکی از مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین اهداف اسلام از ایجاد یک اقتصاد سالم، بهره‌وری انسان‌ها از نیروهای طبیعی، نباتی، حیوانی و انسانی جهت رسیدن به کمالات عالی‌تر و اصیل است، در غیر این صورت موجب رکود و توقف سیر تکاملی می‌گردد. چنان‌چه استاد مصباح یزدی در این رابطه معتقدند: «همان‌گونه که شاخ و برگ زیاد برای درخت سیب مطلقاً مفید نیست، نمی‌توان بهره‌برداری بی‌قید و شرط از نیروهای نباتی و حیوانی را برای انسان مفید دانست».^(مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص. ۱۲)

بنابراین، اسلام با تعالیم انسان‌سازش تحصیل منافع را به گونه‌ای تجویز می‌کند که در جهت آن هدف قرار گیرد، و از سوی دیگر برای این‌که فعالیت‌های اقتصادی انسان را از تقرب الی الله باز ندارد، محدودیت‌ها و قیودی را برای هر کدام از فعالیت‌های اقتصادی ذکر می‌کند.

در این قسمت از مقاله، اهدافی که آموزه‌های اسلامی در ایجاد اقتصاد سالم دنبال می‌کند، به صورت اجمالی و فشرده بیان می‌گردد. تذکر این مطلب لازم است که در طرح این اهداف سعی شده به نکاتی اشاره گردد که در بر دارنده تمامی جوانب باشد، به عبارت دیگر بتواند جامع و مانع باشد.

الف- ایجاد تعادل و توازن اقتصادی

این هدف که به وضوح در تمامی آموزه‌های دینی به چشم می‌خورد، از اساسی‌ترین اهداف اقتصادی اسلام است و با کنکاش در جهان‌بینی اسلام، مرجع تعیین حق سهم‌بری از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه را خداوند متعال می‌یابیم، چرا که خداوند مالک همه چیز حتی وجود و افعال انسان‌ها است و از سوی دیگر، انسان خلیفه و جانشین خداوند در زمین شمرده می‌شود و اموال نزد او امانت نهاده شده است.

۱- (نجم / ۴۲)؛ «و پایان راه همه، پروردگار توست».

آیات^۱ و روایات دلالت دارند که نیازمندان در اموال ثروت‌مندان و در بیت‌المال مسلمانان دارای حقند. حق نیازمندان در اموال ثروت‌مندان با خمس و زکات و صدقات مستحب او ادا می‌شود و در صورتی که این وجوه برای تأمین نیازمندان جامعه کفایت نکرد، بر امام مسلمانان واجب است نیازمندان را از ثروت‌هایی که به نام «انفال» در اختیار دارد، تأمین کند. از این رو، به دست آوردن رفاه عمومی و توازن اقتصادی دو عنصر اصلی اقتصاد اسلامی است، که هر کدام از این عناصر، خود در بر دارنده عناصر جزئی دیگر می‌باشند.^۲

با استفاده از آیاتی که در این زمینه وارد شده می‌توان گفت، حفظ تعادل و موازنه در امر اقتصاد از مبنایی‌ترین اصول یک اقتصاد سالم است، و این تعادل و موازنه در همه زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف می‌بایست طوری طراحی گردد که با توجه به ویژگی‌های مکتبی و اولویت‌ها، خطوط کلی اقتصاد اسلامی در جامعه مشخص گردد.

در کنار این موازنه، تنظیم بودجه نیز باید بر اساس رویکردهای مذهبی باشد و با جلوگیری از اسراف و تبذیر، و صرفه‌جویی از هزینه‌های غیر ضروری بر اساس آموزه‌های اسلامی، جلوی کسری بودجه و تورم داخلی گرفته شود و با تولید داخلی، ارز لازم برای مبادلات خارجی تأمین گردد.

ب- به دست آوردن استقلال اقتصادی

با پیش کشیدن بحث استقلال اقتصادی، لازم است در وهله اول به مسائلی هم‌چون خودکفایی اقتصادی، دفاع نظامی و دفاع فرهنگی بپردازیم.

- خودکفایی اقتصادی

در باب خودکفایی اقتصادی آیات فراوانی وجود دارد که به عنوان نمونه به ذکر برخی از این آیات می‌پردازیم:

(وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) [آل عمران/ ۱۳۹]؛ و [در انجام فرمان‌های حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید.

(الَّذِينَ يَرِثُونَ يَكْفُرُونَ إِنَّهُمْ يَبْغُونَ مِنَ اللَّهِ فَخًّا وَلَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوا أُمَّةَ اللَّهِ قَالُوا هَلْ نَسْتَعِذُّ بِكَ عَلَيْنَا مَشِئَمَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) [نساء/ ۱۴۱]؛ آنان که همواره حوادثی را برای شما انتظار می‌برند، اگر از سوی خدا برایتان پیروزی رسد، می‌گویند: مگر ما با شما [در میدان جنگ] نبودیم؟ [پس سهم ما را از غنایم جنگی بپردازید] و اگر برای کافران بهره‌ای اندک [از پیروزی] باشد، به آنان می‌گویند: آیا [ما که در میان ارتش اسلام بودیم] بر شما چیره و مسلط نبودیم؟ [ولی دیدید که از ضربه زدن به شما خودداری کردیم] و شما را [از آسیب و زیان مؤمنان] مانع می‌شدیم [پس سهم غنیمت ما را بدهید] خدا روز قیامت میان شما داوری می‌کند؛ و خدا هرگز هیچ راه سلطه‌ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است.

۱- آیاتی که در این مورد می‌باشند: فرقان/ ۶۷، حدید/ ۲۵، اسراء/ ۲۹.

۲- جهت مطالعه بیشتر، ر.ک به: میرمعزی، حسن، (۱۳۸۴)، اقتصاد کلان، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَرْيَدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا) [نساء/ ۱۴۴]؛ ای اهل ایمان! کافران را به

جای مؤمنان، سرپرست و یار خود مگیرید. آیا می‌خواهید برای خدا بر ضد خودتان دلیلی آشکار قرار دهید؟

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) [مائده/ ۵۱]؛

ای اهل ایمان! یهود و نصاری را سرپرستان و دوستان خود مگیرید، آنان سرپرستان و دوستان یکدیگرند [و تنها به روابط میان خود وفا دارند]. و هر کس از شما، یهود و نصاری را سرپرست و دوست خود گیرد از زمره آنان است؛ بی‌تردید خدا گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوعًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُفْرَكُمْ مُؤْمِنِينَ) [مائده/ ۵۷]؛ ای

مؤمنان! کسانی که دین شما را مسخره و بازیچه گرفته‌اند سرپرست و دوست خود مگیرید، چه از اهل کتاب باشند و چه از کافران، و اگر مؤمن هستید از خدا پروا کنید.

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَاءُ عَلَى الْكُفَرِ رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرْنَعٍ خَرَجَ سَطَاةً فَازَرَهُ فَاسْتَظَلَّ فَاَسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَصِطَّهُ بِهِمْ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا) [فتح/ ۲۹]؛ محمد،

فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند، همواره آنان را در رکوع و سجود می‌بینی که پیوسته فضل و خشنودی خدا را می‌طلبند؛ نشانه آنان در چهره‌هایشان از اثر سجود پیداست، این است توصیف آنان در تورات، و اما توصیفشان در انجیل این است که وجودشان چون زراعتی است که جوانه‌های خود را رویانده پس تقویتش کرده تا ستر و ضخیم شده، و در نتیجه بر ساقه‌هایش [استوار] ایستاده است، به طوری که دهقانان را [از رشد و انبوهی خود] به تعجب می‌آورد تا خدا به وسیله مؤمنان، کافران را به خشم آورد. [و] خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنَّ كُفْرَكُمْ خَرَجْتُمْ جَهَادًا فِي سَبِيلِي وَإِتِّعَاءَ مَرْضَاتِي تُسْرُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ) [ممتحنه/ ۱]؛ ای اهل

ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید، شما با آنان اظهار دوستی می‌کنید، در حالی که آنان به طور یقین به آن چه از حق برای شما آمده کافرند، و پیامبر و شما را به خاطر ایمانتان به خدا که پروردگار شماست [از وطن] بیرون می‌کنند، [پس آنان را دوستان خود مگیرید] اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودیم بیرون آمده‌اید [چرا] مخفیانه به آنان پیام می‌دهید که دوستشان دارید؟ در حالی که من به آن چه پنهان می‌داشتید و آن چه آشکار کردید دانانترم، و هر کس از شما با دشمنان من رابطه دوستی برقرار کند، مسلماً از راه راست منحرف شده است.

بر اساس آیات ذکر شده، می‌توان گفت بی‌نیازی اقتصادی از کفار و خودکفایی مسلمین مورد توصیه تمام

آیات اشاره شده است.

به عنوان نمونه از آیه ۱۳۹ سوره آل عمران استفاده می‌شود که یکی از لوازم ایمان، بی‌نیازی اقتصادی و خودکفایی مسلمانان است، چرا که نیاز همیشه همراه با ذلت و اسارت است.

از آیه ۱۴۱ سوره نساء استفاده می‌شود که برای حفظ و اعتبار و حیثیت اسلامی، مسلمانان موظفند از هرگونه عملی که راه نفوذ کفار را برای تسلط بر مسلمین می‌گشاید، خودداری کنند و از پیشاپیش راه‌های نفوذی آنان را با تدبیر و سیاست ببندند؛ و از آنجا که بزرگ‌ترین راه نفوذ آنان، نیازمندی‌های اقتصادی است، لذا اعمال سیاست اقتصادی خودکفا و همیاری عموم اقشار در قطع وابستگی و بستن راه‌های نفوذی آنان، از مهم‌ترین مسئولیت‌های امت اسلامی است.

هم‌چنین آیه **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ)** که بیان شد، به مسلمانان هشدار می‌دهد با مشرکان رابطه دوستی نداشته باشید و از پیوند و ایجاد مودت با آنان بر حذر کنید؛ زیرا با ایجاد پیوند و مودت با کفار، نه تنها مسلمانان از مشکلات اقتصادی نجات پیدا نمی‌کنند، بلکه دچار مفاسد اخلاقی و ضلالت‌های فکری که منشأ همه گونه وابستگی‌های اقتصادی است می‌شوند و سرانجام منجر به ورشکستگی اخلاقی و اقتصادی می‌گردند.

- دفاع نظامی

آیاتی فراوان در باب جهاد و دفاع نظامی وجود دارد که نشان‌گر اهمیت فوق‌العاده این امر در جهت حفظ موجودیت اسلام و مسلمین است، از جمله آیاتی که در ادامه بیان می‌شود:

(الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاقْتُلُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) [بقره/

۱۹۴]؛ ماه حرام در برابر ماه حرام است [اگر دشمن حرمت آن را رعایت نکرد و با شما در آن جنگید، شما هم برای حفظ کیان خود در همان ماه با او بجنگید] و همه حرمت‌ها دارای قصاص‌اند. پس هر که بر شما تعدی کرد، شما هم به مثل آن بر او تعدی کنید، و از خدا پروا نمایید، و بدانید که خدا با پروا پیشگان است.

(وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَغْلَبْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لِاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُفْقَهُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُؤْفَ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ

لَا تَظْلَمُونَ) [نفل/۶۰]؛ و در برابر آنان آن‌چه در قدرت و توان دارید از نیرو و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آن‌ها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد بترسانید.

و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می‌شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا) [فتح/۲۸]؛ اوست که پیامبرش را با هدایت و

دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز کند، و بس است که خدا گواه باشد.

(وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقَومَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ

وَرُسُلَهُ بِالْقَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ) [حدید/۲۵]؛ به یقین ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان آن دو نفر، نبوت

و کتاب قرار دادیم، پس برخی از آنان هدایت یافتند و بسیاری از آنان بدکار و نافرمان بودند.

با توجه به آیات کریمه قرآن می‌توان گفت، هر چند ما در زمان غیبت بر حسب نظر اکثر فقها مأمور به جهاد ابتدایی جهت گسترش اسلام نیستیم، ولی جهاد دفاعی برای حفظ یکان و موجودیت اسلام و دفاع و مقابله با دشمنان متعددی به اسلام و مسلمین و بلاد اسلامی، امری ضروری است.

بر همین اساس لازم است تا حداکثر امکانات نظامی خود را مجهز کرده و در پی حفظ آرمان‌های اسلامی برآییم و این امر میسر نمی‌گردد مگر این که از لحاظ تأمین بودجه‌های دفاعی مستقل شویم، مقوله‌ای که با قطع هرگونه وابستگی اقتصادی از بلاد کفر مهیا می‌گردد.

- دفاع فرهنگی

در این رابطه نیز به چند آیه از قرآن کریم برخورد می‌کنیم، از جمله:

(إِلَّا تَضُرُّوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) ^[توبه/ ٤٠]؛ اگر پیامبر را یاری ندهید، یقیناً خدا او را یاری می‌دهد؛ چنان‌که او را یاری داد هنگامی که کافران از مکه بیرونش کردند در حالی که یکی از دو تن بود، آن زمان هر دو در غار بودند، همان زمانی که به همراهش گفت: اندوه به خود راه مده خدا با ماست. پس خدا آرامش خود را [که حالت طمأنینه قلبی است] بر پیامبر نازل کرد، و او را با لشکریانی که شما ندیدید نیرومند ساخت، و شعار کافران را پست‌تر قرار داد، و شعار خداست که شعار والاتر و برتر است؛ و خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

(ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ) ^[نحل/ ١٢٥]؛

[مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] بپرداز، یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند و نیز به راه یافتگان داناتر است.

(الَّذِينَ يُلْقُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَهَا غَثًا لَّا يُحْسِنُونَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهُ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا) ^[احزاب/ ٣٩]؛ آنان که همواره پیام‌های خدا را به

مردم می‌رسانند و از او می‌ترسند و از هیچ‌کس جز او واهمه ندارند و برای حساب‌رسی، خدا بس است. با ملاحظه آیات شریفه می‌توان گفت، اعتلای «کلمه الله» تحقق نمی‌یابد مگر با سلاح حکمت، موعظه و جدال احسن.

در این صورت می‌توانیم از موجودیت و یکان اسلام دفاع نماییم. مقوله‌ای که در گرو سلاح قاطع منطق صحیح و تبلیغ و ارشاد بر اساس مبانی اسلامی است. بنابراین در مقابل این وظیفه سنگین باید قیام کرد و هرگونه هزینه لازم را در بودجه مملکت پیش‌بینی نمود و هم‌چون هزینه‌های دفاع نظامی، هزینه‌های تبلیغی را در اقتصاد برنامه‌ریزی نمود؛ زیرا موجودیت کشوری اسلامی به این امر نیز وابسته است و روند تأمین این بودجه از مهم‌ترین اهداف اقتصاد اسلامی است.

ج- پرورش استعدادها جهت ایجاد کارهای گروهی و استفاده بهینه از نیروها

چنانچه در مباحث پیشین در بحث مفهوم‌شناسی واژه توسعه بیان شد، توسعه را بهره‌برداری از امکانات بالقوه مادی و انسانی تعریف کردیم و این امر با بررسی روش‌ها، ابداع و نوآوری‌ها و شناخت استعدادها و پرورش آن‌ها ارتباط نزدیکی دارد، از جهتی شناخت بهتر و عمیق‌تر استعدادها، امکانات و مشکلات و طرح روش‌های نو برای پیشبرد اندیشه‌ها و ابداعات علمی و صنعتی، نیازمند سیستم آموزشی پویا و متناسب است، چرا که افراد برای کسب مهارت‌ها و تخصص‌های لازم باید آموزش مناسب ببینند تا نیاز جامعه به نیروهای متخصص و کارآمد از پایین‌ترین سطح تا بالاترین درجات رفع گردد.

در این مسیر و قبل از هر چیزی می‌بایست به نظام آموزشی کشور اهتمام ویژه‌ای بخشید چرا که نظام آموزشی نقش بسیار مؤثری در توزیع عادلانه درآمدها و یا گسترش فقر و نابرابری- در صورت فقدان برنامه‌ریزی درست و اصولی- دارد.

نظام آموزشی یک کشور در صورتی که شرایط را به گونه‌ای مهیا سازد که فقط فرزندان طبقه‌های پر درآمد و مرفه امکان رسیدن به مراحل عالی آموزشی را داشته باشند و در آینده نیز همین گروه را جهت مشاغل پر درآمد و مناصب مهم انتخاب نماید، این امر منجر به ایجاد فاصله‌های درآمدی و طبقاتی می‌گردد و بهره‌مندی از امکانات را در جامعه تشدید می‌نماید و باعث ایجاد فقر و نابرابری و عقب‌ماندگی آن جامعه خواهد بود.

بر همین مبنا می‌توان گفت، رسیدن به الگوهای توسعه و خط‌مشی‌ها و راهبردها و نیز الگوی صحیح تولید و مصرف، همه در گرو داشتن نظام آموزشی و پژوهشی مناسب در جامعه و نهاد تعلیم و تربیت کارا و پویا می‌باشد.

۴) راهکارهای مورد تأکید آموزه‌های اسلامی در جهت ایجاد اقتصاد سالم

در این بخش از مقاله تلاش می‌شود راهکارهای رسیدن به یک اقتصاد سالم و رشد و توسعه جوامع مسلمان، از نقطه نظر آموزه‌های اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

بدیهی است بیان این مطالب به معنای انحصار این راهکارها نیست، لذا ممکن است راهکارهای دیگری نیز در زیر مجموعه این امور بگنجد. اهم راهکارهایی که اسلام جهت ایجاد رشد و توسعه اقتصاد سالم در جوامع توصیه نموده است، عبارت‌اند از:

- توصیه به دانش‌اندوزی و تفکر و جایگاه علم و عالم در میان مردم

این نکته بر کسی پوشیده نیست که اولین آیاتی که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد، با خواندن و تعلیم و تعلم داشتن آغاز گردید،^۱ و این امر

۱- (أَفْرَأَيْتُمْ أَتَى عَلَى الْخَلْقِ الْإِنْسَانُ مِنْ نَعْتِهِ، أَلَمْ يَرْزُقْكَ الْوَالِدُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَكُنْ لِيَعْلَمُ)؛ بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید، همان‌کس که انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد. بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوarter است، همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود، و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد.

نهایت توجه اسلام نسبت به دانش اندوزی را می‌رساند.

آیات بسیار دیگری نیز وجود دارند که هر کدام گویای این اهتمام و توجه می‌باشند، از جمله این آیات:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا قِيلَ لَكُمْ فَتْسَحُوا فِي الْمَجْلِسِ فَافْتَسَحُوا يَسْحَ اللَّهُ لَكُمْ وَإِنَّا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ) [مجادله/۱۱]؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به شما گفته شود مجلس را وسعت بخشید، وسعت بخشید؛ خداوند برای شما وسعت می‌بخشد و هنگامی که گفته شود برخیزید، برخیزید؛ اگر چنین کنید، خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

(أَمَّنْ هُوَ قَائِمٌ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ) [زمر/۹]؛ آیا چنین انسان کفران‌کننده‌ای بهتر است [یا کسی که در ساعات شب به سجده و قیام و عبادتی خالصانه مشغول است، از آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: آیا کسانی که معرفت دارند و کسانی که بی‌بهره از معرفت‌اند، یکسانند؟ فقط خردمندان متذکر می‌شوند.

در آموزه‌ها و سنت معصومین علیهم‌السلام نیز روایات بی‌شماری در اهمیت دانش اندوزی و جایگاه علم و عالم ذکر شده که به عنوان نمونه برخی از این روایات بیان می‌شود:

در برخی روایات از علم به عنوان «سودمندترین گنج»، «سرچشمه تمام خوبی‌ها»، «بهترین میراث»، «یک فریضه و تکلیف الهی برای همگان»^۱،

«بهترین وسیله هدایت»^۲، و «مایه حیات اسلام»^۳ معرفی شده است، به گونه‌ای که مرکب قلم عالمان و دانشمندان را برتر از خون شهدا می‌داند^۴، و یک ساعت مباحثه علمی را بهتر از گذراندن شبی به نماز و عبادت معرفی می‌کند.^۵ تأکید و تشویق اسلام به کسب علم و دانش آن‌چنان اهمیت بالایی دارد که امام سجاد علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَلَوْ يَسْفِكُ الْمُهْجَ وَخَوْضَ اللَّجَجِ»^۶ (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۵)؛ اگر می‌دانستید با تحصیل علم و دانش به چه سعادت‌هایی می‌رسید به دنبال آن می‌رفتید، هر چند خون شما در این راه ریخته شود و یا لازم باشد که به دریاها وارد شوید و اقیانوس‌ها را بپیمایید.

- ۱- حضرت علی علیه‌السلام: «لَا كَرَّ أَفْعَ مِنَ الْعِلْمِ»؛ (ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۷، حدیث ۱۳۳۵۲).
- ۲- پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ وَالْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ»؛ (همان، حدیث ۱۳۳۶۶).
- ۳- امام صادق علیه‌السلام: «إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْإِبَاءُ لِأَتْبَاعِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْعَالُ فَإِنَّ الْمَالَ يَدْهَبُ وَالْأَدَبُ بَقِي»؛ (همان، حدیث ۱۳۳۳۴).
- ۴- پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۷).
- ۵- پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «الْعِلْمُ أَفْضَلُ هِدَايَةٍ»؛ (ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۷، حدیث ۱۳۳۴۳).
- ۶- پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «الْعِلْمُ حَيَاةُ الْإِسْلَامِ وَعِمَادُ الدِّينِ»؛ (همان، حدیث ۱۳۳۷۶).
- ۷- پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «إِنَّا كُنَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَوَضَعَتْ الْمَوَازِينُ قُرُونَ دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ مَعَ دِمَاءِ الْعُلَمَاءِ فَيُرْجَحُ دِمَاءُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ»؛ (همان، حدیث ۱۳۴۰۲).
- ۸- امام باقر علیه‌السلام: «تَذَكَّرِ الْعِلْمَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ»؛ (همان، حدیث ۱۳۴۱۴).

نمونه‌های ذکر شده در باب اهمیت علم و دانش تنها قطره‌ای از دریای سخنان ائمه علیهم‌السلام است که به علت اختصار در این تحقیق، به ذکر این موارد بسنده می‌شود.

پرسش دیگری که ممکن است مطرح گردد، این‌که: آیا مراد از دانش‌اندوزی و علم‌آموزی، شامل هر علمی می‌شود؟ و این تأکیدات و توصیه‌ها در ارتباط با علم، متوجه کدام علم است؟

مرحوم فیض کاشانی در این ارتباط این‌گونه بیان نموده‌اند: «مقصود پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از آن علمی که فرموده فریضه است، هیچ‌کدام (از علوم) به طور انحصار نیست.

اگر مراد حضرت منحصراً یکی از رشته‌های تفسیر، کلام، اخلاق، حدیث، فقه، عرفان و... بود، تصریح می‌فرمود. پس باید دید از نظر اسلام انجام چه اموری برای هر فرد، واجب مستقل و یا بر عده‌ای خاص بر حسب نیاز واجب و لازم است، تا اگر راه انجام آن تکلیف تحصیل علم و یا کسب مهارت و تخصصی است، تحصیل آن علم و تخصص واجب گردد». (فیض کاشانی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص. ۴۸-۴۲)

نتیجه آن که فریضه علم تابع نیاز جامعه اسلامی است، و این امر مورد تشویق دین مبین اسلام است چرا که اسلام دینی جهانی است و خواهان ایجاد جامعه و حکومتی است که از هر جهت مستقل و بی‌نیاز از بیگانگان باشد؛ یعنی مجهز به بهترین مهندسان، صنعت‌گران، پزشکان، داروسازان، مجهزترین دانشگاه‌ها و وسایل تحقیق علمی و دفاعی باشد تا راه هرگونه نفوذ و تسلط دشمنان را از میان بردارد.^۱

بر این اساس هر علمی که به حال اسلام و مسلمانان مفید باشد، در هر زمینه و رشته‌ای - چه فیزیک و شیمی یا ریاضی و معدن‌شناسی و غیره - در صورتی که هدف از یادگیری آن‌ها خدمت به اسلام و مسلمانان باشد، مشمول آن تأکیدها و ترغیب و تشویق‌هایی است که در کلام و سخن پیشوایان دین مطرح شده است. بدین جهت در راستای دانش‌اندوزی و بالارفتن سطح آگاهی به نوعی روحیه علمی مسلمانان بالا رفته و این امر موجب می‌شود، وضع موجود خویش را به طور دقیق بشناسند و در نتیجه در امور تولیدی و فناوری به انتخاب بهترین و کاراترین امکانات و ساخت آن‌ها اقدام ورزند و اقتصاد جامعه خویش را تقویت و تحکیم نمایند.

اینک پرسشی که مطرح می‌گردد این است که بالابردن سطح آگاهی مردم به عهده چه کسی در جامعه است؟ چنانچه در مباحث گذشته اشاره‌ای جزئی به این امر شد، می‌توان گفت نظام آموزش و پرورش عهده‌دار این امر است. این امر نیز مهم است که «نهاد آموزش و پرورش امری وسیع‌تر از معنای متداول آن است؛ یعنی علاوه بر مهدها، دبستان‌ها، مدارس راهنمایی، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، شامل هر نوع فعالیتی می‌شود که در زمینه تعلیم و شکوفایی فرهنگ عمومی نقش خویش را به درستی ایفا نماید و نوعی آگاهی عمومی در تولید،

۱- ر.ک به: نساء، ۱۴۱.

مصرف و توزیع درآمد و به طور کلی در زمینه‌های مختلف اقتصادی به مردم ارائه دهد. همین آگاهی عمومی باعث می‌شود جامعه در تمام زمینه‌های رشد اقتصادی حرف اول و آخر را بزند». (مظلوم گرمجانی، ۱۳۷۴، ص. ۶)

- تأکید و توصیه بر کار و تلاش

در آموزه‌های اسلامی آیات و روایات فراوانی در باب کار و تلاش وجود دارد که این امر میزان اهتمام ویژه اسلام به این امر را می‌رساند. در این بخش از تحقیق به صورتی کلی جایگاه کار در اسلام و آثار آن را مورد بررسی قرار داده و در خاتمه این بحث به تأثیر آن در پیش‌برد اقتصادی جامعه می‌پردازیم.

در آموزه‌های ناب اسلامی کار و تلاش جایگاه ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این زمینه می‌فرماید: «طَلَبُ الْحَلَالِ قَرِيبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص. ۹)؛ کسب روزی از راه مشروع، بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است.

روایات بی‌شماری در توصیه به تلاش و کوشش در راه مشروع داریم که این امر را ضامن سعادت اخروی انسان‌ها معرفی می‌کند، به گونه‌ای که از پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه آمده است که فرمودند: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ حَلَالًا فَتَحَ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص. ۱۰)؛ کسی که با دست‌رنج خود از حلال الهی استفاده کند، درهای بهشت بر او باز می‌گردد تا از هر دری که خواست وارد شود.

در برخی از روایات نیز کار کردن نوعی عبادت دانسته شده و تلاش‌کننده را هم‌چون مجاهد در راه خدا معرفی نموده است.^۱

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در ارزش نهادن به امر کار، دست‌کارگر را به احترام می‌فشارد و می‌فرماید: «هَذِهِ يَدٌ لَأَسْهَأَ النَّارَ أَبْنَا هَذِهِ يَدٌ يُجِبُّهَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ ظَنَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ» (بناء رضوی، ۱۳۳۷، ص. ۵۹)؛ این دستی است که هرگز آتش جهنم به آن نخواهد رسید. این دستی است که خدا و رسولش آن را دوست دارند. چنین دستی را خدای متعال با نظر رحمت نگاه می‌کند. وجود مبارک پیامبر ﷺ با همه گرفتاری‌های سیاسی، حکومتی و نظامی خود، شخصاً از کار کردن ابایی نداشت و فعالیت‌های اقتصادی را برای کسب معیشت و اداره زندگی افتخار می‌دانست و همواره تأکید می‌نمودند که کسی بیکار و طفیلی نباشد در این رابطه حضرت می‌فرمود: «مَلْفُؤٌ مِّنْ أَلْفِي كَلُّهُ عَلَى النَّاسِ» (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص. ۳۲۷). کسی که بار زندگی خویش را بر دوش دیگران نهد از رحمت خدا به دور است.

توصیه و تأکید پیامبر اسلام ﷺ به کار، تأثیر شایسته‌ای بر خودکفایی، عدم نیاز به کفار و رشد و توسعه اقتصادی و انسانی داشته است. در سیره و روش حضرت، نمونه‌های فراوانی می‌توان یافت که همواره مردم را از بیکاری، تن‌پروری و تبلی منع می‌فرمود و آن را گناه می‌شمرد، چرا که تبلی را عامل رکود جامعه و خراب کردن آینده ملت می‌دانست.

۱- پیامبر اکرم ﷺ: «اَلْكَادُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص. ۱۱۳).

- تأکید و توصیه به مصرف مطلوب اسلامی

قبل از ورود به این بحث لازم است نکاتی در زمینه اهمیت مصرف از نظر اقتصادی بیان گردد. مصرف از نظر اقتصادی دارای اهمیت بسزایی است که اقتصاد دانان، اخیراً متوجه آن شده و چنین اظهار کرده‌اند که مصرف در عین اینکه هدف نهایی از تولید و توزیع است، یکی از عوامل مؤثر در آن نیز می‌باشد.

به عبارتی دیگر می‌توان گفت، موضوع مصرف از نظر این که غایت و هدف فعالیت‌های اقتصادی است و بر تولید و توزیع، تأثیر چشم‌گیری دارد، نقش ابزار بودن آن در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و بخش اقتصاد کلان فوق‌العاده است. بر همین اساس است که جزو بخش‌های مهم اقتصاد قرار گرفته است؛ چرا که مصرف، سوخت حرکت تولید و توزیع را تأمین می‌کند و به آن دو شکوفایی می‌بخشد.

از نظر اسلام نیز اصل این رابطه انکار نمی‌شود. در نظام اسلامی، دایره مصرف گسترده‌تر است و شامل انگیزه‌ها، نیازها و مطلوبیت‌های معنوی و ارزشی است، و از سوی دیگر تلاش می‌شود که با قرار دادن محدودیت‌های گوناگونی که ذکر شد، سیاست‌های مصرفی به نوعی کنترل شده به سوی ایجاد رفاه بیشتر اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشانده شود.

بنابراین در نظام اسلامی، مصرف در بعد مطلوبیت‌های ارزشی و اجتماعی، نه تنها باز و مطلق گذارده شده بلکه بر افزایش مهم آن نیز تشویق و ترغیب کرده است؛ چرا که نتیجه این امر منجر به رشد انسانی، اجتماعی و ارزشی می‌گردد و این امر به نوبه خود موجب توزیع مجدد ثروت، برقراری عدالت، و تأمین‌های اجتماعی و ارزش‌ها و مصالح اسلامی دیگر می‌باشد. در ادامه به نمونه‌هایی از مصارفی که از منظر آموزه‌های اسلامی به عنوان مصارف واجب بیان گردیده است، اشاره می‌شود:

الف) یکی از مصارفی که در اسلام واجب شمرده شده، مقدار مصارفی است که انسان برای ادامه حیات و حفظ نفس از ابتلا به امراض و ناراحتی‌های بدنی و روحی نیاز دارد.

بر این اساس خداوند نعمت‌های طیب را حلال کرده و از تحریم و مصرف نکردن آن‌ها نهی فرموده است: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْزَمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُوا لِلَّهِ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمْ مِنْكُمْ مَوَدَّةً وَتَرَوْنَ فِيهَا كَبَابًا ضَعُفًا وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ وَوَكَّلُوا لَهُ الْخِزْيَانَةَ لِيُؤْتِيَكُمْ مِنْهَا قَدِرًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ)** [مانده/ ۸۸ و ۸۷]؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید؛ و از حد، تجاوز ننمایید؛ زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد، و از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید؛ و از خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید.

ب) مصارفی که مربوط به افراد تحت تکفل انسان می‌باشند نیز واجب است، و انسان باید نیازهای متعارف زندگی همسر و فرزندان خود را تأمین کند؛ هم‌چنین در صورت عدم توانایی پدر و مادر، تأمین زندگی و مخارج متعارف آنان به عهده فرزند دارای درآمد آن‌ها است که در این رابطه روایات بی‌شماری

وارد شده است، از جمله:

- «يَتَّبِعِي الرَّجُلَ إِنَّ يَوْسَعَ عَلَى عِيَالِهِ لَلَّاءَ يَتَمَنَّا مَوْتَهُ» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص. ۴۴۴)؛ برای مرد سزاوار است که بر عائله‌اش توسعه

بخشد تا آرزوی مرگ او را نکنند.

امور دیگری که ذیل این مطلب وارد می‌شود، عبارت‌اند از: تأمین مقدار لازم برای حفظ جان انسان‌هایی که جانشان در خطر است. امور واجب عبادی مانند حج، رفع گرسنگی و تشنگی حیوانات،^۱ و امور مستحبی دیگری چون دست‌گیری نزدیکان و دیگر افراد مستمند جامعه، استعمال بوی خوش و... از جمله امور دخیل در مصرف مطلوب نظام اسلامی است.

اسلام در عین اینکه واجباتی در مصرف ارائه نموده و آن‌ها را الزامی کرده است، محدودیت‌هایی نیز برای آن ذکر نموده است. در این قسمت به دو نمونه از این محدودیت‌ها اکتفا می‌شود:

الف) اسراف؛ مراد از اسراف بنا بر نظر لغت‌دانان^۲ «تجاوز از حد» است. به این معنا که اگر انسان در به کار بردن چیزی از حدود متعارف آن خارج شود و بیش از اشباع نیازهای خود مصرف کند، عنوان مُسرف بر او اطلاق می‌گردد. در حرمت اسراف، آیات متعددی وارد شده است، به عنوان نمونه:

- (وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) [اعراف/۳۱]؛ و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند مسرفین

را دوست نمی‌دارد.

- (وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ) [غافر/۴۳]؛ و همانا مسرفان آنان اهل آتش می‌باشند.

علت مذمت و نهی اسلام از اسراف، به دلیل حاکم شدن روحیه اسراف در فرد و جامعه است. چه بسا کالاها و خدماتی به جای تأمین نیازهای واقعی و لازم، صرف زیاده‌روی‌ها و لابیالی‌گری‌ها می‌شود، و هم چنین ابتلا به فقر در اثر اسراف، هم نسبت به فرد قابل تصور است و هم نسبت به جامعه؛ زیرا ممکن است فردی در اثر عدم تقدیر در معیشت و ولخرجی دچار فقر شود و نیز عده‌ای با اسراف و استفاده بیشتر از امکانات جامعه، باعث سلب استفاده دیگران از آن امکانات گردند و اسراف عده‌ای موجب فقر اجتماعی شود.

ب) تبذیر: در برخی موارد از واژه تبذیر در آیات و روایات سخن به میان آمده است، چنان‌چه در آیه ۲۶

و ۲۷ سوره اسراء آمده است:

(وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا * إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا)؛ و حق

نزدیکان را بپرداز، و مستمند و وامانده در راه راه؛ و هرگز اسراف و تبذیر مکن، چرا که تبذیرکنندگان برادران شیاطینند و شیطان در برابر پروردگارش بسیار ناسپاس بود. این‌که قرآن کریم مبدترین را برادران شیطان معرفی

۱- ر.ک به: تحریر الوسيله، امام خمینی ره، (۱۳۹۰)، ج ۲، نجف: مطبعة الادب، ص. ۳۱۱، مسئله ۱۳۶.

۲- ر.ک به: الخطوط التفصیله عن اقتصاد المجتمع الاسلامی، شهید صدر ره، قم: مطبعة الحیام، ص. ۷۴.

نموده است، در روایات نیز این امر بیان شده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ التَّبَذِيرَ مِنَ الْإِسْرَافِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۰۲)؛ همانا تبذیر نوعی اسراف است. به عبارتی می‌توان گفت: تبذیر جزئی از اسراف است که به معنای بذر پاشیدن و در عرف به معنای پراکنده ساختن و ریختن و پاش مال بدون علت است.^۱

به طور کلی صرف مال در موارد غیر عقلایی و غیر مفید، تبذیر بوده و از نظر اسلام تحریم شده است. چرا که با توجه به جنبه‌های کیفی مصرف کالاهای مختلف، و نیز استعدادهای نهایی منابع تولیدی، هر منبع خدماتی یا ماده تولیدی را باید در جایی به کار گرفت که بیشترین بازدهی را داشته باشد. در این صورت است که به جهات کیفی منبع تولیدی یا عامل خدماتی توجه کامل شده و از استعدادهای بالقوه آن به طور کامل بهره‌برداری شده است.

جمع‌بندی مطلب این که مصرف در جامعه اسلامی، مفهوم خاصی دارد. آنچه از نظر اسلام قابل قبول نیست، جامعه مصرفی به معنای رایج آن است، چرا که انسان‌ها را فقط وابسته و محدود به نیازهای مادی و شخصی نموده و در تحصیل آن هرگونه ارزشی را فدا می‌کند. بدیهی است این امر منجر به ایجاد مشکلات اقتصادی فراوانی برای جامعه خواهد بود.

- تأکید و توصیه به قناعت و زهد

اصل زهد و قناعت، بعد روحی آن است، و مطلوبیت قناعت و زهد برای عموم جامعه به منظور کسب تعالی روح است نه به معنای ترک دنیا و مذموم بودن کسب مال و ثروت، چرا که اسلام نسبت به دست‌گیری از محرومان و انفاق تأکید فراوان دارد.

زهد و قناعت آثار فردی و اجتماعی زیادی دارد. این آثار در رشد و توسعه اقتصاد جامعه بسیار مؤثر و کارساز است. از جمله آثار قناعت و زهد، ایجاد آزادگی روح و روان است. چنانچه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این رابطه فرمودند: «مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَعْتَقَ نَفْسَهُ» (آمدی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۶)؛ کسی که در دنیا زهد بورزد، نفس و جان خود را از اسارت آزاد کرده است.

از دیگر آثار قناعت و زهد، راحتی جسم و جان است؛ چرا که شخص قانع و زاهد هیچ‌گاه برای کسب مال و ثروت و سود بیش‌تر به حرص و طمع آلوده نمی‌گردد، و به وظایف فردی و اجتماعی خود آشنا شده و به حق

۱- ر.ک به: الخطوط التفصیلیه عن اقتصاد المجتمع الاسلامی، شهید صدر علیه السلام، قم: مطبعة الحیام، ص ۷۴.

خود قانع می‌شود. با چنین روحیه‌ای جسم و جان‌ش در راحتی و آسایش قرار می‌گیرد.^۱ و در برابر مشکلات و سختی‌ها ثابت‌قدم و استوار می‌ماند. چنان‌چه در این موضوع، امام باقر علیه السلام فرمودند: «مَنْ زُهِدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص. ۳۸۳)؛ کسی که در دنیا زهد را پیشه خود سازد، بلاها و مصایب بر او آسان گردیده و آن‌ها را زشت و ناپسند نمی‌پندارد.

شخص قانع و زاهد تلاش می‌کند در حدّ توان، دیگران را از نعمت‌ها و امکاناتی که در اختیار دارد بهره‌مند سازد و اگر ممکن نشد حداقل با بینوایان اظهار هم‌دردی نموده و زندگی خود را متناسب با وضع آنان قرار دهد. این صفت باعث می‌شود ثروت به طور عادلانه در جامعه توزیع گردد و فاصله‌های طبقاتی کاهش داده شود. به طوری که افراط در جمع مال و ثروت از بین می‌رود و در سطح کلان، افراد جامعه به آن‌چه تولید کرده‌اند اکتفا می‌نمایند. این امر باعث ایجاد جوّ تفاهم و همکاری برای رسیدن به استقلال اقتصادی خواهد شد.

علاوه بر این، با گسترش روحیه قناعت و صرفه‌جویی در جامعه، واردات و صادرات جامعه و تراز پرداخت‌های آن بهبود یافته و با کم شدن نیازهای وارداتی، حرکت در جبهه استقلال کامل اقتصادی، تسریع می‌گردد.

- توصیه و تأکید به ایجاد بازار با معیارهای اسلامی

قبل از پرداختن به این بحث لازم است به صورت گذرا، بازار را تعریف کرد. غالباً در مباحث اقتصادی، در مورد تعاریف بازار بحث نمی‌شود چرا که آن را امری روشن تلقی می‌کنند؛ اما در یک تعریف کلی می‌توان گفت: «بازار فرایندی است که در آن، رویارویی خریداران و فروشندگان یک کالا با یک‌دیگر، قیمت و مقدار کالا را تعیین می‌کند.» (سامونلسن و نوردهاوس، ۱۳۷۳، ج ۱، ص. ۸۰)

با توجه به این تعریف، به بحث از بازار ایده‌آل از منظر اسلام می‌پردازیم. از منظر تعالیم اسلامی، مهم‌ترین ویژگی بازار ایده‌آل وجود افرادی است که تحت تربیت اسلامی به درجات عالی کمال نایل آمده‌اند و این عامل در تمام ابعاد زندگی اجتماعی آنان تأثیر گذشته است که این امر در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام با توجه به روایات فراوان ترسیم می‌گردد، به گونه‌ای که در آن دوران فراوانی نعمت به حدّی می‌رسد که افراد برای پرداخت زکات مالشان فقیر پیدا نمی‌کنند و عدالت در پهنه گیتی نقش بسته و اخوت و برادری به اوج خود می‌رسد.

تذکر این مطلب لازم است که ما هم اکنون در شرایط ایده‌آل زندگی نمی‌کنیم و پرداختن به وضعیت‌های موجود و ارائه راه‌حل‌های مناسب ضروری‌تر به نظر می‌رسد. در جوامع اسلامی از آنجایی که مسلمانان،

۱- ر. ک به: بحار الانوار، علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص. ۲۱، ح ۶۵. «الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يَرِيحُ الْقَلْبَ وَالْبَدَنَ».

خداوند متعال را مالک واقعی تمام جهان می‌دانند و امانت‌داری را سرلوحه تمامی کارهای خویش قرار می‌دهند، باعث شده که اصل توحید و تقرب و جلب رضایت خداوند در بینش و رفتار آن‌ها تجلی پیدا کند و این امر بازتاب‌هایی فراوانی در رفتار اقتصادی آنان داشته باشد.

اطاعت و تسلیم (ایستار) انسان‌ها در برابر خداوند و توصیه‌های الهی سبب می‌شود که آنان سعادت مادی و معنوی خود را در گرو تقوا و یاد خداوند ببینند. قرآن کریم نیز به زیبایی به این نکته اشاره فرموده است: **(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)** [اعراف، ۹۶]؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی [آن‌ها حق را] تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

بنابر آیه، بینش اسلامی موجب می‌شود در رفتارهای انسانی جهت‌دهی‌های خاصی به وجود آید که آنان را وادار به رعایت مسائل حقوقی و اخلاقی می‌کند. اسلام با تعالیم ارزنده و آسمانی خویش، زمام امور در بازار را به دست سازوکار خشک آن نسپرده است، بلکه در کنار آن تربیت‌های خاص اسلامی را نیز مد نظر قرار داده است.

از جمله این امور، دریافت سود کمتر از مؤمن یا فروش کالا به اولین شخص داوطلب خرید است که به صورت احکام اخلاقی در بازار تجلی پیدا کرده است. با توجه به این امور نقش احسان و توصیه و تأکید آموزه‌های اسلامی بر این امر، دستاورد تربیت اسلامی دیگری است که باعث می‌شود فضای صمیمیت میان آحاد افراد جامعه بیشتر گشته و زمینه‌ساز کارایی بهتر بازار و موجب استفاده بهتر از نیروهای بازمانده و ایجاد رقابت سالم به درون جامعه باشد.

اصولی که به صورت کلی در سازوکار بازار اسلامی نمود و جلوه خاصی دارد، در سه مورد خلاصه می‌شود: قانون، نظارت و اخلاق.

الف) قانون: با توجه به مطالبی که گذشت، در جامعه اسلامی محور همه تصمیم‌ها و قوانین، خداوند است. بر همین اساس انسان خود را امانت‌دار می‌بیند نه مالک، لذا دیدگاه وی با انسان‌هایی که خود را مالک می‌بینند، متفاوت خواهد بود.

ب) نظارت: از آنجا که تأمین عدالت اجتماعی در جامعه، آرمان آموزه‌های اسلامی است، با زنده کردن سجایای اخلاقی، نظارت‌هایی از درون اعمال می‌شود که این امر خود زاینده تربیت اسلامی است، چرا که به واسطه این امر انسان در می‌یابد که در محضر خداوند است، و جهت تقرب به وی از هرگونه گناه و معصیتی دوری می‌نماید. گذشته از این نظارت درونی، نظارت مستمر دیگری نیز در جامعه اسلامی برپاست که همان حاکم اسلامی است که با توجه به اختیاراتی که دارد نظارت مستمری بر روند اوضاع خواهد داشت.

ج) اخلاق: توجه به اخلاق باعث می‌شود بسیاری از مفاسد اقتصادی هم‌چون: پرهیز از ظلم و احتکار، دروغ، ستایش کالای خود یا نکوهش کالای دیگری، کم‌فروشی، ربا، خدعه و نیرنگ، گران‌فروشی، مهلت ندادن به تنگ‌دستان، عدم توجه به خدا در حین معامله، عدم انفاق و احسان، معامله با افراد پست و دشمنان دین و موارد بی‌شمار دیگر از بین بروند.

- توصیه به اتقان و محکم‌کاری در کار

با دقت در آموزه‌های اسلامی در می‌یابیم یکی از شرایط رسیدن جامعه اسلامی به عزت و سربلندی و خودکفایی و استقلال در انجام کارها، با استواری و به صورت درست و صحیح است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در سیره عملی خویش بارها بر این نکته تأکید ورزیده و می‌فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مِنَ الْعَامِلِ إِذَا عَمِلَ أَنْ يُحْسِنَ» (حسام‌الدین الهندی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص. ۹۰۷)؛ خداوند متعال دوست دارد هر عمل‌کننده‌ای، کار خود را به خوبی انجام دهد.

حضرت در جای دیگر پس از محکم کردن قبر یکی از اصحاب خویش با سنگ و گل فرمودند: «إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ سَيَلِّي وَيَصِلُ إِلَيْهِ إِلَيْهِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عِبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ» (حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص. ۸۴)؛ من نیک می‌دانم که قبر، فرسوده و بدن دست‌خوش پوسیدگی خواهد شد، ولی خداوند دوست دارد که چون بنده‌اش کاری را انجام دهد آن را محکم و استوار نماید. با توجه به این روایات، می‌توان گفت اتقان در عمل از جمله کارهایی است که در بردارنده فواید اجتماعی و اقتصادی بی‌شماری است. پرسشی که این‌جا پیش می‌آید این است که: «اتقان و محکم‌کاری در انجام کار چه ارتباطی با رشد توسعه و اقتصاد سالم خواهد داشت؟» در پاسخ به این پرسش به صورت کلی و اجمالی می‌توان گفت: این امر فواید بی‌شماری در بردارد، از جمله فواید زیر:

الف) ایجاد اعتماد و جلب نظر خریداران

اگر افراد جامعه با احساس مسئولیت و وظایف خود را به طور صحیح و همراه با استواری و محکم‌کاری لازم انجام دهند، باعث جلب اعتماد مردم جامعه به کالاهای داخلی خواهد شد و دیگر کسی به دنبال کالاهای خارجی نمی‌رود. متأسفانه گاهی مشاهده می‌شود با وجود استعدادها و توان بالای تولید کالا با کیفیت مطلوب، برخی از تولیدکنندگان، با کوتاه‌نظری و سودجویی شتاب‌زده، کار خویش را با کیفیت بسیار پایین انجام می‌دهند و باعث پایین رفتن اعتبار خود و اعتبار کالاهای داخلی و نیز هدر رفتن منابع داخلی می‌گردند.

این امر در بلندمدت از نظر اقتصادی می‌تواند ضربه سهمگینی بر پیکره اقتصادی جامعه زند، اما اگر با کمال دقت به تولید کالا از سر وظیفه‌شناسی و استحکام و استواری در کار بپردازند، باعث می‌شود

مصرف کنندگان دیگر رغبتی به استفاده از کالاهای خارجی نمایند و در نتیجه به صادرات جامعه رونق بخشیده شود و جامعه در سطح بین‌المللی نیز از نظر تولید کالا و اقتصاد دارای اعتبار و ارزش گردد، و حتی میزان سطح بیکاری جوانان کاهش یابد و جامعه در روابط اقتصادی و سیاسی در سطح بین‌المللی به گونه‌ای مستقل عمل نماید.

ب) ایجاد روحیه خلاقیت و نوآوری در کارها

اگر اندیشه تولیدکنندگان کالا در یک جامعه همواره بالا بردن کیفیت کار با خدمت به هم‌نوع باشد؛ ابتکار، خلاقیت و نوآوری نیز به وجود خواهد آمد.

وجود چنین روحیه‌ای در جامعه باعث می‌شود آن جامعه دیگر در مقابل ملل دیگر احساس حقارت و خودباختگی نکرده و در نتیجه در برابر تهاجم فرهنگی نیز مقاومت بیشتری از خویش نشان دهد. یکی از اموری که منجر به قبول فرهنگ بیگانه می‌شود، احساس خودکم‌بینی و حقارت در برابر فرهنگ بیگانه است، و افرادی که تحت تأثیر فرهنگ بیگانه قرار می‌گیرند به علت این است که فرهنگ بیگانه را بسی برتر و والاتر از فرهنگ خویش قلمداد می‌نمایند و این امر منجر به تقلید کورکورانه و طوطی‌وار از فرهنگ بیگانه می‌گردد.

ج) استفاده بهینه از منابع داخلی و انسانی

از اثرات بارز اتقان در عمل این است که از منابع انسانی و داخلی استفاده بهینه به عمل می‌آید. چنانچه تولیدکالا یا انجام خدمتی اگر با سستی و سرهم‌بندی انجام گیرد، نتیجه آن چیزی جز اتلاف منابع و هدر رفتن هزینه‌ها نخواهد بود و این امر با رشد توسعه و ایجاد یک اقتصاد سالم ناسازگار است.

- توصیه به نظم و انضباط در کارها

اصل نظم و انضباط از اصول کلیدی در آموزه‌های اسلامی است، به گونه‌ای که خداوند متعال در سفارش به اهل ایمان آن‌ها را از هرگونه ناهماهنگی و تقدّم بر خدا و رسولش برحذر می‌دارد و آنان را به پیروی کامل فرا می‌خواند، لذا مجموعه امور سامان‌یافته و منضبط می‌شود.

در سیره معصومین علیهم‌السلام نیز این امر به طور واضح مشهود است. به طور نمونه رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا آنجا به نظم و ترتیب در کارها اهمیت می‌دادند که گاهی شخصاً به منظم ساختن صف‌های نماز جماعت اقدام می‌کرد و می‌فرمود: «سُوُوا بَيْنَ صُفُوفِكُمْ وَحَادُوا بَيْنَ مَنَاقِبِكُمْ لَا يَسْتَعْوِذُ عَلَيْكُمُ الشَّيْطَانُ» (حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص. ۴۷۲)؛ میان صف‌ها را پرکنید و دوش به دوش یک‌دیگر باشید، تا شیطان بر شما غلبه نکند.

در شاهد مثال دیگر، حضرت پس از تشکیل حکومت اسلامی، دستور سرشماری مسلمانان و ثبت

اطلاعات لازم برای برنامه‌ریزی را صادر فرمودند.^۱

در وصیت حضرت علی علیه السلام به حسنین علیهم السلام، حضرت فرمودند: «أوصيكمَا وَجَمِيعَ وَآدَى وَأَهْلَى وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِي» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، نامه ۴۷، ص. ۶۶۸ و ۶۶۹)؛ شما را و تمام فرزندان و خاندانم و کسانی که وصیت من به آنان می‌رسد، به تقوا و ترس از خداوند و نظم در امور سفارش می‌کنم.

د) ارتباط میان نظم و انضباط با رشد و توسعه و اقتصاد سالم

اینک با توجه به این امور به بررسی این امر می‌پردازیم که: «چه ارتباطی میان نظم و انضباط با رشد توسعه و اقتصاد سالم می‌باشد؟» در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت نظم و انضباط در کارها، در پیش‌برد اقتصاد جامعه بسیار کارساز و مهم است. این امر آثار زیادی در اقتصاد یک جامعه می‌گذارد، از جمله این آثار:

- انجام به موقع تعهدات و قراردادهای منعقد شده

اگر هر کدام از طرفین قرارداد، خود را ملزم به رعایت نظم و انضباط نمایند و در زمان مقرر تمام اجزا و عناصر لازم جهت ایجاد قرارداد را مهیا سازند، آن کار به سرانجام رسیده و به هدف مطلوب و مورد نظر خویش دست می‌یابد، اما در صورت بی‌نظمی و عدم انضباط، آن کار به نتیجه مطلوب نخواهد رسید و عمل به تعهدات نیز ممکن نخواهد شد.

- ایجاد رابطه قوی میان مسئولین

در صورت ایجاد نظم و انضباط، پیشرفت در کارها صورت می‌گیرد. این امر موجب می‌گردد مسئولان اجرایی با صاحبان سرمایه روابط مستحکم برقرار کنند، و فضای همکاری و صمیمیت میان آنان بیشتر و گسترده‌تر گردد. این امور باعث می‌شود برای کارهای تولیدی و اقتصادی، صاحبان سرمایه بیشتر سرمایه‌گذاری کنند، و پروژه‌های زیربنایی بیشتری ایجاد گردد.

- مداومت و به سرانجام رساندن کارها

همان‌طور که در فرمایش امام باقر علیه السلام آمده است: «الإبقاء عَلَى الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ» (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص. ۲۹۶)؛ مداومت بر کار، دشوارتر از خود عمل است.

با توجه به این روایت شریف می‌توان گفت: مفید بودن کارها به این است که به پایان برسند. خوب آغاز کردن اما نیمه‌کاره و ناقص رها کردن، ارزش عمل را از بین می‌برد، و این امر باعث هدر رفتن و ضایع شدن سرمایه‌های مادی و معنوی و در نتیجه رکود اقتصادی می‌گردد. بنابراین داشتن نظم و انضباط در کار باعث می‌شود شخص، خویشتن را مقید به انجام و تمام کردن کار کرده و بر این امر مداومت لازم را داشته باشد.

۱- ر. ک به: کثر العمال، حسام‌الدین الهندی، ج ۱۱، ص. ۱۲۸. «أخضوا كل من تَلَفَّظَ بِالإِسْلَامِ».

- دوری از کاهلی و پرهیز از نسنجیده کاری

با توجه به این که تنبلی و سستی در کارها و نیز انجام اعمال نسنجیده و ناپخته، نتیجه بی‌نظمی و آشفتگی در کارهاست، توصیه شده که افراد، قبل از دست زدن به کار در صورتی که توان آن کار را و حوصله به انجام رساندنش را نداشته باشند، پرهیز نمایند. چنانچه در روایت از رسول مکرّم اسلام ﷺ در این زمینه آمده است: **«قَاتِي أَوْصِيكَ إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدْبِرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنَّ بِكَ زُشْدًا قَامُضُهُ وَإِنَّ بِكَ غَيًّا قَائِمُهُ عَنْهُ»** (حر عاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۱، ص ۲۲۳)؛ هرگاه تصمیم بر انجام کاری گرفتی، ابتدا تدبیر و تفکر کن و عاقبت و نتیجه آن را در نظر بگیر. اگر باعث رشد و هدایت بود آن را تعقیب کن و انجام بده، و اگر موجب ضلالت و گمراهی بود و به مصلحت نبود، از آن دوری کن.

۴) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- ۱- در بحث مفهوم‌شناسی، واژگانی هم‌چون توسعه و اقتصاد مورد بحث و بررسی قرار گرفت که با توجه به معنای هر یک از این واژگان به تعاریف نهایی در این زمینه پرداخته شد.
- ۲- در تعریف نهایی توسعه، این‌گونه بیان شد که: توسعه فرآیندی است که زمینه شکوفایی استعدادهای گوناگون انسان را فراهم می‌سازد، و با استفاده بهینه از منابع مختلف بستر مناسبی برای رشد تولیدات ملی فراهم می‌آورد.
- ۳- در تعریف نهایی اقتصاد این‌گونه مطرح شد که اقتصاد، عبارت است از شناخت، ارزیابی و انتخاب روش‌هایی که بشر برای تولید و توزیع کالا و خدمات، از منابع محدود یا غیر آماده، به منظور مصرف به کار می‌گیرد.
- ۴- در بحث نگرش علمی آموزه‌های دینی، به این نکته تأکید شد که مطابق با آموزه‌های قرآنی که تشویق به شناخت اسرار خلقت می‌کند، قدرت و حکمت الهی را ببینید تا از این راه معرفت و بصیرت‌تان تقویت و افزایش یابد.
- ۵- در بحث دیگری پیرامون نحوه چگونگی نگرش علمی در جامعه به این نتیجه رسیده شد که نهاد آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت در بسط و گسترش این نگرش، تأثیر بسزا و درخور توجهی دارد.
- ۶- در بحث اهداف آموزه‌های اسلامی جهت ایجاد یک اقتصاد سالم اهدافی نام برده شد که عبارت‌اند از: ایجاد تعادل و توان اقتصادی؛ به دست آوردن استقلال در اقتصاد؛ پرورش استعدادها جهت ایجاد همکاری‌های گروهی و حداکثر کارایی.
- ۷- راهکارهای مورد تأکید آموزه‌های اسلامی در جهت رشد و توسعه اقتصاد، در بردارنده اموری چند است از جمله: اهتمام و توصیه اسلام نسبت به علم و تفکر؛ تأکید و توصیه بر کار و تلاش؛ تأکید و توصیه به زهد و قناعت؛ تأکید و توصیه به ایجاد بازار اسلامی؛ اتقان و محکم‌کاری در عمل؛ داشتن نظم و انضباط؛ محدودیت در مصرف و غیره.

به طور کلی با توجه به مطالب ذکر شده در این تحقیق، اسلام خود را کامل‌ترین ادیان و آخرین دین معرفی کرده و مدعی است که تمام مسائل لازم برای رشد انسان در مسیر هدایت به سوی حق را در بردارد. چرا که قوانین و مقررات کلی که در اسلام، مطابق با فطرت بشر و برای تأمین سعادت او وضع شده، در هیچ عصری دست‌خوش تغییر و تحول نمی‌گردد.

اسلام با توجه به نیازمندی‌های بشر به وضع قوانین و ایجاد راهکارهایی جهت پیشرفت و تعالی انسان‌ها پرداخته است در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادی نیز راهکارهایی اندیشیده و به مردمان توصیه نموده است. با به کارگیری این راهکارهاست که انسان در مسیر تکامل خویش، به سعادت دست یافته و مسیر تکاملی خود را طی می‌نماید؛ زیرا اسلام دینی انسان‌ساز، مطابق با فطرت انسانی و برگرفته از وحی الهی است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، رضی مهد، (۱۳۹۵)، تنظیم صبحی صالح، قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۸۳)، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، چاپ ششم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. بناء رضوی، مهدی، (۱۳۶۷)، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳. تودارو، مایکل، (۱۳۶۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلام‌علی فرجادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات برنامه و بودجه.
۴. جیروند، عبدالله، (۱۳۶۸)، توسعه اقتصادی (مجموعه عقاید)، چاپ سوم، تهران: مولی.
۵. حاج فتحعلی‌ها، عباس، (۱۳۷۲)، توسعه تکنولوژی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی علیه السلام.
۶. حسام‌الدین الهندی، علاء‌الدین، (۱۴۰۹)، کنز العمال، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۹۱)، وسائل الشیعه، چاپ چهارم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (۱۳۷۱)، مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ اول، تهران: سمت.
۹. ساموئلسن، پل، نوردهاوس، ویلیام، (۱۳۷۳)، اقتصاد، ترجمه علیرضا نوروزی و محمدابراهیم جهان‌دوست، تهران: نشر مؤلف.
۱۰. سریع‌القلم، محمود، (۱۳۶۹)، توسعه جهان سوم و نظام بین‌الملل، چاپ اول، تهران: نشر سفیر.
۱۱. طوسی، ابی‌جعفر محمد بن الحسن، (۱۳۸۲)، تهذیب، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. فیض کاشانی، مولی محسن، (۱۳۶۸)، محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، چاپ دوم، تهران: (بی‌جا) دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. قره‌باغیان، مرتضی، (۱۳۷۰)، اقتصاد، رشد و توسعه، چاپ اول، تهران: نشر نی.

۱۴. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۹۲)، اصول کافی، ترجمه و شرح محمدباقر کمره‌ای، تهران: چاپ اسلامی.
۱۵. همان، (۱۳۸۷)، فروع کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۶۲)، میزان الحکمة، چاپ اول، قم: مکتبه اعلام الاسلامی.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۷)، خودشناسی برای خودسازی، چاپ اول، قم: در راه حق.
۱۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹)، نظری به نظام اقتصادی اسلام، چاپ نهم، تهران: صدرا.
۲۰. مظلوم گرمجانی، فریدون، فرهنگ و توسعه، روزنامه اطلاعات، ۱۲ تیرماه، ۱۳۷۴.
۲۱. موسوی اصفهانی، جمال‌الدین، (۱۳۷۸)، ملاحظاتی پیرامون پیام‌های اقتصادی قرآن، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. میر، جرالده، (۱۳۷۸)، مباحث اساسی اقتصاد توسعه، ترجمه غلام‌رضا آزاد ارمکی، تهران: نشر نی.

